

چرا جامعه ایران با فراخوان‌های ساختگی و غیرمردمی همراه نمی‌شود؟

# انقلاب در توئیتر؛ آرامش در کف خیابان!

**گروه سیاست/** یکی از موضوعاتی که در سال‌های اخیر در رسانه‌ها برجسته می‌شود، صدور و انتشار فراخوان‌هایی با محوریت دعوت به تجمع و اعتراض در مکان‌های خاص یا اعتصاب است. بر این اساس، فراخوان‌هایی در مناسبت‌های مختلف سال صادر می‌شود که در آن از اقشار و گروه‌های معینی خواسته می‌شود تا در روز یا روزهای معینی اقدام مشخصی را انجام دهند یا ندهند؛ برای مثال از افراد خواسته می‌شود که از کسب‌وکار، درس و دانشگاه با رشته حرفه‌ای خود دست کشیده و اعتصاب کنند. در این میان پرسش قابل طرح آن است که این دست فراخوان‌ها اولاً از کجا صادر می‌شوند و ثانیاً چرا معمولاً نتیجه پررنگ و برجسته‌ای در میدان ندارند. آشنایی با روال صدور فراخوان‌ها برای تجمع و اعتصاب، می‌تواند به ما درک دقیق‌تری از ماهیت آنها بدهد. در این میان پرداختن به چند پرسش قابل توجه است؛ چه کسانی پشت طراحی این فراخوان‌ها قرار دارند؟ چرا ایام معینی از سال برای اعتصاب انتخاب می‌شوند و این انتخاب برچه اساسی صورت می‌گیرد؟ چرا بسیاری از آگهی‌هایی که به عنوان فراخوان منتشر می‌شوند در عمل، نتیجه قابل توجهی ندارند و هیچگاه براساس آنها اقدام جدی در میدان صورت نمی‌گیرد؟

■ **کپی‌کاری از ۱۳۵۷ در ۱۴۰۱!**

معمولاً انتشار آگهی‌های فراخوان برای تجمع یا اعتصاب، با این هدف صورت می‌گیرد که القانند وضعیت کشور غیرعادی است یا قرار است بحران‌های بزرگی در پیش باشد. عمده کسانی که خواسته یا ناخواسته این دست آگهی‌ها و فراخوان‌ها را تبلیغ می‌کنند با الهام از انقلاب اسلامی و مبارزات منتهی به پیروزی آن دست به چنین کاری می‌زنند.

اختناق و خفقان حاکم بر فضای سیاسی کشور در دوره حکومت پهلوی بویژه پس از قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ موجب شد که جامعه تا حد انفجار پیش برود. فضای سیاسی دوره پهلوی دوم و سرکوب مستمر و زندانی کردن فعالان و کنگسگران سیاسی موجب ایجاد تکاپوی گسترده و پیروز اعتصابات پراکنده با رنگ و بوی صنفی – رفاهی در کشور شد. با آغاز مخالفت‌ها و مبارزات آشکار بر ضد رژیم از نیمه دوم سال ۱۳۵۶ و کشته شدن عده‌ای از مردم در این مبارزات، مبارزه رودررو با ارتش کاملاً مسلح، امیدوارکننده به نظر نمی‌رسید. از این رو مبارزان به فکر افتادند برای شمول بیشتر مبارزه و تکان آمدن کردن دستگاه سرکوب رژیم، اعتصاب‌های صنفی – رفاهی را به خواسته‌های سیاسی گسترش دهند. بدین ترتیب اعتصاب‌های رفاهی رفته‌رفته جای خود را به اعتصاب‌های سیاسی داد و موجب شد تا تمام تلاش‌های رژیم برای ایجاد آرامش و بازگرداندن اعتصابیون به سر کار با شکست مواجه شود. نهایتاً با در دست گرفتن ابتکار عمل توسط امام خمینی (ره) و صدور اعلامیه‌ها و تعیین اشخاص برای سازماندهی اعتصابات از جانب ایشان، اعتصابیون در یک حرکت منسجم و هماهنگ در فروپاشی رژیم محمدرضا پهلوی نقش اساسی ایفا کردند.

این تجربه و روایت مستمر آن در طول

سؤال اینجاست که چنین فراخوان‌هایی تا چه اندازه مردمی هستند، به این معنا که آیا فعالیت‌های اعتراضی به صورت خودجوش توسط مردم طراحی می‌شوند یا اینکه از منشا‌های خاصی بیرون می‌آیند؟ برخلاف اعتصابات گسترده در دوره پهلوی و فراخوان‌هایی که هم به صورت مردمی منتشر می‌شد و هم جامعه نیز با آن همراه بود، اکنون درصد بسیاری از مردم با فراخوان‌ها همراه نمی‌شوند، زیرا تجربه‌هایی که در سال‌های گذشته بویژه در دو ماه اخیر اتفاق افتاد، نشان می‌دهد که اساساً مردم ایران، تا خود تلبلی برای ناراضیاتی و تجمع و اعتراض و اعتصاب پیدا نکنند، تحت القانات بیرونی اقدام به فعالیت اعتراضی نمی‌کنند. نتیجه‌ای که در میدان مشاهده می‌شود

در گفت و گو با بی بی سی جهانی مطرح شد

## ریچارد هاس: نقش بین‌المللی امریکا افول کرده‌است

موضوع تعهدات امریکا در قبال کشورها و مناطق مختلف و در یک کلام در قبال نظام بین‌الملل دوران گذار به یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی تبدیل شده‌است که استراتژیست‌ها و نظریه‌پردازان امریکایی در مورد آن بحث و گفت‌وگو می‌کنند. آینده امریکا در نظام بین‌الملل چگونه خواهد بود؟ امریکا چگونه می‌خواهد بحران‌های ایجاد شده را مدیریت کند؟ امریکا در نظام بین‌الملل آینده چه جایگاهی خواهد داشت؟ بر این اساس با توجه به تحولات و بحران‌های مختلف جاری در نظام بین‌الملل، اندیشمندان امریکایی پاسخ‌های مختلف در این زمینه ارائه می‌دهند. اما آنچه مسلم است این است که قدرت امریکا همانند سال‌های نظام دوقطبی و بعد از پایان جنگ جهانی اول نیست. اکنون هم امریکا با چالش‌های داخلی مواجه شده است و هم بازیگران مختلفی بین‌المللی به چالش کشیده‌اند و به نظر می‌رسد که امریکا به صورت یکجانبه نمی‌تواند با این بحران‌ها مقابله کند. نکته کلیدی که وجود دارد، عبارت است از اینکه امریکا دیگر نمی‌تواند همانند گذشته در نظام بین‌الملل ایفای نقش کند و مساله افول قدرت امریکا در حال نمایان شدن است. وضعیت موجود را به تأخیر بیندازند، اما و در واقع متغیرهای در حال شکل‌گیری نشان دهنده شکل‌گیری وضعیتی جدید است.

ظهور چین به عنوان یک قدرت بزرگ در نظام بین‌الملل، بحران اوکراین و حضور روسیه در اروپا، ایران و متحدانش در غرب آسیا، کره شمالی در آسیای شرقی،

به گونه‌ای نیست که بتوان سهم مردم را در آن پررنگ دانست. اگر چنین فراخوان‌هایی به صورت خودجوش و مردمی طراحی می‌شدند، آنگاه در خیابان‌ها در روزهای معینی که در فراخوان‌ها مورد اشاره قرار می‌گیرند، شاهد شلوغی‌ها و تجمعات اعتراضی گسترده‌ای بودیم. همچنین اعتصاب‌های سراسری نیز بسیار پررنگ‌تر نمود داشتند، اما خلوتی خیابان‌ها نشان می‌دهد که اساساً مردم سهم چندانی در طراحی این فراخوان‌ها ندارند.

نمونه اخیر این فراخوان‌ها که مربوط به تجمع در روزهای چهاردهم تا شانزدهم آذر می‌شود، در عمل پروژه‌ای شکست‌خورده است؛ به‌طوری که در همان روز اول، بی‌نتیجه بودن آن در شبکه‌های اجتماعی نیز برجسته شد و تعجب برخی خود فراخوان‌دهندگان را نیز برانگیخت و حتی برخی ناباورانه نتوانسته‌اند آنچه را در خیابان‌ها مشاهده کرده‌اند، با انتظارات قبلی خود تطبیق دهند یا توجیه مشخصی برای آن پیدا کنند. حال که مشخص می‌شود این فراخوان‌ها مردمی نیستند، لازم است منشا‌هایی که فراخوان‌ها از آنها بیرون می‌آیند نیز شناسایی شوند.

■ **فراخوان‌ها از کجایی آیند؟**

قبل از هر چیز نمی‌توان نقش رسانه را در برجسته‌سازی این فراخوان‌ها انکار کرد. در واقع رسانه‌ها که در حالت عادی وظیفه دارند این دست فراخوان‌ها را صرفاً برجسته کنند و انعکاس خبری از آنها بدهند، در حال حاضر مرجع صدور آنها شده‌اند. طبیعی است که رسانه‌ها می‌توانند نقش قابل توجهی در انتشار و اطلاع‌رسانی داشته باشند، اما به این دلیل که شخص یا گروه معینی مسئولیت دعوت مردم به اعتراض و اعتصاب را برعهده نمی‌گیرند، هویت و ماهیت چندان مشخصی ندارند و طبیعی

است که جامعه نمی‌تواند صرفاً براساس آنچه که در قاب تلویزیون یا رسانه می‌بیند اعتماد کرده یا حتی قانع شود که عملی را انجام دهد که احتمالاً بابت آن هزینه یا تاوان بدهد.

شاید در سال‌های گذشته که جامعه ایرانی هنوز درک نسبتاً دقیقی از پدیده رسانه و ماهیت آن و کارکردهای آن نداشت، گاهی به این رسانه‌ها اعتماد‌هایی صورت می‌گرفت و تجمع‌هایی نیز در کف خیابان به وجود می‌آمد، اما تجربیات اخیر، بویژه در سه سال اخیر، نشان می‌دهد که جامعه ایرانی به سطحی از تخنگی در زمینه سواد رسانه‌ای رسیده‌است که به راحتی فریب فراخوان‌های بی‌هویت و بی‌اصالت را نخورد. وقتی از رسانه به عنوان منشأ صدور

فراخوان صحبت می‌کنیم، منظور تنها محدود به چند شبکه ماهواره‌ای نمی‌شود؛ بلکه تلاش برای القای مردمی بودن فراخوان‌ها و اعتصابات از طریق ایجاد پایگاه‌ها، کانال‌ها و صفحه‌هایی در شبکه‌های مجازی نیز در این راستا صورت می‌گیرد. برای نمونه در تلگرام و توئیتر کانال‌ها و صفحه‌هایی ساخته شده‌است که معمولاً نام‌های مشابهی هم دارند؛ هم نام آنها و هم محتوای این کانال‌ها و صفحه‌ها نشان می‌دهد که همگی توسط اشخاص یا گروه‌های معینی اداره می‌شوند که نه تنها مردمی نیستند، بلکه گاه حتی هیچ نسبتی با شهر یا استان مربوطه ندارند. اگرچه نام این کانال‌ها به نام تک تک شهرهای ایران یا استان‌های ایران نامگذاری شده، اما هم اعضای بسیار اندک و هم محتوای مشابهی دارند؛ به‌طوری که گاه فقط نام شهرها عوض می‌شود و محتوای مطالب تنها کپی شده‌است. چنین قرآنی نشان می‌دهند که این دست کانال‌ها و این دست سازماندهی‌ها نه تنها مردمی نیستند، بلکه حتی از پشتوانه تشکیلاتی چندانی قابل توجیهی نیز برخوردار نیستند.

نمونه دیگر طراحی و ساخت کانال‌ها و صفحات با عنوان اقشار مختلف است. در این اقدام گروه‌هایی سعی می‌کنند تا با ساخت کانال‌های مشابه به نام اصناف (مثلاً فروشندگان، اتوبوس‌داران، کامیون‌داران، بازاریان و…) که تنها نام شهر مربوطه در آنها متفاوت است، این‌گونه القا کنند که تمامی اصناف و تمامی گروه‌ها و اقشار جامعه به اعتراض‌های سراسری پیوسته‌اند، اما باز هم تعداد کم این صفحه‌ها و کانال‌ها نشان از ساختگی بودن آنها دارد. در میانه شکاف بین رسانه و واقعیت عجیب نیست که برخلاف آنچه در رسانه‌ها اعتراض سراسری یا فراخوان گسترده خوانده می‌شود، اوضاع شهرها در نقاط مختلف کشور بسیار آرام است و مردم همچنان به زندگی روزمره خود می‌پردازند؛ همان‌گونه که در گذشته پرداخته‌اند.

■ **سناریوی تداوم آشوب برای ۱۴۱۵۱۴امین بارنیز شکست خورد!**
از مجموع آنچه گفته شد، می‌توان این نتیجه را گرفت که اولاً حرکت‌های غیرمردمی هیچگاه اصیل نیستند و به مرور زمان ماهیت جعلی آنها بر جامعه آشکار می‌شود، ثانیاً این که جمعیتی در مکانی به طور طبیعی قبیل به روال عادی خود برگشته‌است و برخلاف تلاش رسانه‌های بیگانه که سعی دارند در نقاط محدودی با ایجاد بلوا و

آشوب توجهات رسانه‌ای را منحرف کنند، در سایر شهرهای کشور، وضعیت به صورت عادی پیش می‌رود و حداقل اوضاع عمومی کشور به گونه‌ای نیست که از آن ناآرامی یا بی‌ثباتی احساس شود. در این میان ممکن است مکان‌های خاصی به واسطه ماهیت تجمعی آن مورد توجه رسانه‌ها قرار گیرند. برای نمونه دانشگاه‌ها اکنون به مکان خوبی برای پیشبرد سناریوهایی رسانه‌ای جریان‌های بیگانه تبدیل شده‌اند به طوری که خبرسازی و شایعه‌سازی دربراه دانشگاه‌ها اکنون می‌تواند خوراک این دسته از رسانه‌ها را فراهم کند. اما باید توجه داشت، هرگونه حرکتی که در دانشگاه‌ها صورت می‌گیرد، اولاً بنا بر ذات کنگشگرانه دانشجویان در حد مسالمت‌آمیز آن طبیعی است و نمی‌توان کنجکاوی و هیجان‌خواهی دانشجویان را در آن نادیده گرفت؛ ثانیاً به دلیل آن که جمعیت موجود در دانشگاه‌ها و هر مکان معین شلوغ دیگر، از قبیل حضور داشته‌است، نمی‌توان اتفاقاتی که در دانشگاه رخ می‌دهد را حاصل فراخوان‌ها دانست.

این که جمعیتی در مکانی به طور طبیعی از قبیل وجود داشته باشد و تنها دوربین رسانه‌ها روی آن متمرکز گردد، دلیلی بر پاسخ دادن به این فراخوان‌ها محسوب نمی‌شود. اگر فراخوان‌های مختلفی را که در طول سال‌های اخیر منتشر شده، در کنار هم قرار دهیم و نتایج آنها را در میدان با چیزی که از قبل در رسانه‌ها برای آنها پیش‌بینی می‌شد مقایسه کنیم، درمی‌یابیم که جامعه ایرانی با این دست فراخوان‌ها و پاسخ دادن به آنها، فاصله بسیار زیادی دارد. اما از آنجایی که جریان‌های رسانه‌ای بیگانه و جریان اپوزیسیون خارج‌نشین، هیچگاه شناخت دقیقی از مختصات جامعه ایرانی نداشته، باز هم تلاش مذبحوحانه خود را ادامه می‌دهد و بدون صرف هیچگونه خلاقیتی در تغییر شکل یا محتوای فراخوان‌ها همچنان امید واهی دارد که وزی بتواند از طریق چند شبکه ماهواره‌ای و چند کانال تلگرامی و چند صفحه توئیتری، انقلابی گسترده انجام دهد! آخرین فراخوانی که برای روزهای چهاردهم تا شانزدهم آذر منتشر شد، با وجود آن که از حداقل ۱۰ روز قبل مورد تبلیغ رسانه‌ها قرار گرفته بود، اما در عمل راه به جایی نبرده‌است؛ به طوری که در حال حاضر کسانی که سعی داشتند از این طریق به ناآرامی دامن بزنند، حال با مشاهده این مساله که فراخوان در عمل شکست خورد، سطح اعتراض خود را به تغییر عکس پروفایل تنزل داده‌اند!

http://irannewspaper.ir

editorial@irannewspaper.ir

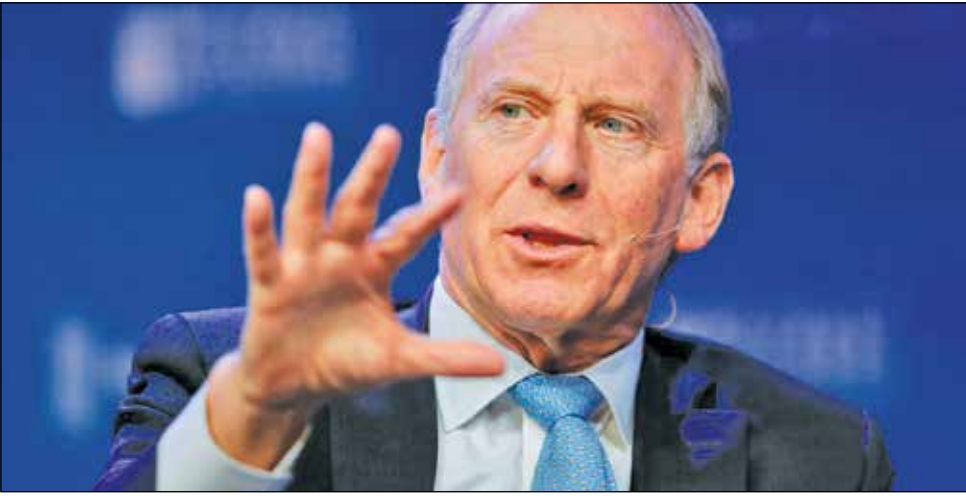
ایران



ایران

در هر حال رئیس‌جمهور تصمیم به خروج نیروهای امریکایی از افغانستان گرفت. در صورت‌ناباید اتفاقات و تصمیمات اتخاذ شده در رابطه با افغانستان را به عنوان مدل والگوی کل سیاست‌خارج امریکا در نظر گرفت. بدین و اطرافایش قویاً باور داشتند که افغانستان جایی نیست که امریکا بخواهد به سرمایه‌گذاری خود در آن ادامه دهد اما بایدن صریحاً اعلام کرده که تمایل دارد در اوکراین و همچنین در تایلوان در مقابل چین سرمایه‌گذاری کند.

■ **اتلاف‌سازی برای مقابله با چین و روسیه**
ریچارد هاس درباره ادامه ایفای نقش امریکا در جهان و مشارکت در مسائل بین‌المللی گفت؛ ما نمی‌توانیم در رابطه با چین و روسیه به صورت یکجانبه اقدام کنیم بلکه باید به دنبال ایجاد اتلاف‌هایی باشیم که به دیپلماسی، طرح اضطراری نظامی و همچنین طرح اضطراری اقتصادی سروکار داشته باشد. ما همچنین می‌توانیم گزینه اعمال تحریم علیه چین را در نظر داشته باشیم، نه آنهایی که تنها تهدیدی برای چین هستند بلکه آنهایی که باعث شود چین متوجه شود که هرگونه استفاده از زور علیه تایلوان هزینه‌ای گزاف به همراه خواهد داشت. ما باید با کشورهای همفکر اتلاف‌هایی تشکیل دهیم تا به‌طور مؤثر کارشناس سیاست جهانی رسیدگی کنیم. این کارشناس سیاست خارجی در خصوص نحوه تعامل با چین و روسیه گفت که در مورد این دو کشور نمی‌توان به صورت «یک‌جانبه» کار کرد و بر لزوم ایجاد یک «اتلاف» تأکید کرد. او رویکرد اول را بر پایه دیپلماسی خواند و از نگاه او، مورد بعد برنامه‌ریزی نظامی و حتی اقتصادی محتمل است.



اوکراین چه معنایی برای امریکا و قدرت‌های غربی دارد و آیا اوکراین در حال حاضر یک چالش تعریف می‌شود یا می‌توانیم از کنار آن عبور کنیم، گفت؛ دولت امریکا به هیچ وجه از کنار این ماجرا نمی‌گذرد و در هر دو حزب اکثریت قاطعی وجود دارد که از مقاومت و ایستادگی در برابر حمله روسیه به اوکراین حمایت می‌کنند. ممکن است با توجه به شرایط، مقیاس کمک‌های امریکا به اوکراین یا بخش‌هایی از پیشنهاد صلح تغییر کند اما امریکایی‌هایی که بر این جنگ تمرکز کرده‌اند کاملاً از خط‌مشی جو بایدن، رئیس‌جمهور امریکا در این رابطه حمایت می‌کنند. اکنون قرار نیست اتفاقی که در رابطه با افغانستان افتاد در رابطه با اوکراین نیز رخ دهد البته من از کاری که در افغانستان انجام دادیم حمایت نمی‌کنم، بسیاری خواستار ادامه حضور امریکا در افغانستان بودند اما

یک سکه دو طرفه است با مسائلی که در داخل رخ می‌دهد و مسائلی که در سطح بین‌المللی رخ می‌دهد. اکنون چالش رهبری دشوارتر شده‌است. هاس در رابطه با انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۴ امریکا

■ **تأثیر بحران‌های بین‌المللی بر امریکا**
ریچارد هاس در ادامه مصاحبه خود با خبرگزاری الجزیره انگلیسی درباره اهمیت مشارکت امریکا در مسائل جهانی گفت؛ شاید مردم فکر کنند که جنگ اوکراین به صورت یکجانبه بر زندگی روزانه امریکایی‌ها تأثیر ندارد و اینکه اکنون دیگر مثل حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر نیست و جنگ‌ها از داخل امریکا به کشورهای دیگری چون افغانستان و عراق کشیده شده و در آنجا ادامه یافته‌است اما مردم باید این حقیقت را متوجه باشند اینکه جهان قطور بر ما تأثیر می‌گذارد و ما چگونه بر جهان تأثیر می‌گذاریم، یک مسیر دوطرفه است. مردم باید متوجه باشند که امنیت ملی